

خوانش انقلابی کتاب‌های ممنوعه و شیوه‌ها و برنامه‌های مطالعاتی گفتمان اسلامی - شیعی ۱۳۵۷-۱۳۴۲

محسن بهشتی سرشت^۱

کامران عاروان^۲

چکیده: خوانش انقلابی گفتمان اسلامی - شیعی کتاب‌های ممنوعه و برنامه‌های خوانش و مطالعاتی آن‌ها می‌تواند بخش فرهنگی انقلاب اسلامی و روند ایجاد اندیشه‌ها و ایدئولوژی انقلابی و نشر آن برای تغییر وضعیت موجود و تعیین خط‌مشی و شیوه‌های عملی آن‌ها را روشن نماید. کاوش‌های انجام‌شده به محقق یاری بسیاری رساند تا گستره و کارکرد دقیق و مستند کتاب‌های زیرزمینی و خوانش و برنامه‌های مطالعاتی انقلابیون به‌طور جدی‌تری درک شود.

دسته مهمی از کتاب‌ها و جزوات ممنوعه گفتمان اسلامی - شیعی توسط رهبران، نظریه‌پردازان ایرانی و غیر ایرانی و نیز گروه‌ها و جمعیت‌های انقلابی تألیف و ترجمه شد و مسیر فکری و عملی انقلاب را هموار کرد و به تعمیق اندیشه‌ها و استمرار عملکرد انقلابیون منجر شد. سیر و برنامه‌های خوانش و مطالعاتی هدف‌دار انقلابیون، جریان فرهنگی گسترده و نفوذ داری را باعث شد که در کنار دیگر عوامل به شکل‌گیری نهایی انقلاب مدد رساند. شواهد و اسناد تاریخی در شفاف‌سازی این جریان و روشن‌سازی ابعاد فرهنگی امر انقلاب با یاری جامعه‌شناسی خواندن و کتاب کمک مؤثری خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: کتاب‌های ممنوعه، گفتمان اسلامی - شیعی، امام خمینی، دکتر شریعتی، جامعه‌شناسی خواندن، جامعه‌شناسی ادبیات، تاریخ کتاب.

۱. دانشیار و همکار گروه تاریخ پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

E-mail: mbeheshhtiseresht@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

E-mail: kamranarvan@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۷

پژوهشنامه متین/سال بیستم/شماره هشتاد/ پاییز ۱۳۹۷/صص ۳۶-۱۷

مقدمه

از زمان گسترش و توسعه کمی و کیفی کتاب به خصوص در دوران معاصر، این ابزار با اشاعه اندیشه‌ها و تفکرات اندیشمندان، موجبات و اسباب تاریخ‌سازی را فراهم آورد و گاهی به سبب تحولات مهم بشری این کالای فرهنگی دستخوش دگرگونی‌های مهم دنیای صنعتی شد. کتاب‌های ممنوعه و پیوند مستقیم و مؤثر آن با انقلاب‌ها از لحاظ مقاصد نگارش، تولید و توزیع این کالای فرهنگی، خوانش و مطالعه هدف‌دار و مخاطبان این گونه کتاب‌ها در قلمروی تاریخ فرهنگی و تاریخ کتاب قرار دارد و البته مکمل این شاخه مطالعه تاریخی تاریخ خواندن است که به نقش خواننده، تغییرات در عملکردهای خواندن و کاربردهای فرهنگی چاپ می‌پردازد (برک ۱۳۸۹: ۹۷-۹۶). مورخان انقلاب اذعان دارند که انقلاب‌ها «فرهنگ بازتولید و تکثیر داستان‌های مقاومت و طغیان به‌طور مکتوب و شفاهی نگرش‌ها و ارزش‌های انقلابی را رواج می‌دادند» (فوران ۱۳۸۸: ۱۷۱). حکومت، جامعه و انقلابیون این کتاب‌ها را کتاب‌های ضاله، کتاب‌های مضره، کتاب‌های زیرزمینی، کتاب‌های قاچاق، کتاب‌های جلد سفید، کتاب‌های ممنوع یا ممنوعه، کتاب‌های ناباب، کتاب‌های افستی، کتاب‌های زیراکسی، اوراق مضره و ممنوعه و نیز کتاب‌های سیاسی و چپی خطاب می‌کردند که در موضوع‌های سیاسی، فکری، عقیدتی و مذهبی ضد رژیم پهلوی و به‌طور غیرقانونی با شیوهٔ چاپ افست در شمارگان بالا و قیمت پایین، چاپ و توزیع می‌شدند. روحانیون پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به رهبری امام خمینی و بخشی از روحانیون منتقد حکومت، خواهان تغییرات در وضعیت فعلی و لزوم رعایت مصالح و موازین دینی و مذهبی شدند، به تدریج این گفتمان شکل منظم‌تر و مدون‌تری به خود گرفت و بر پایه‌های پیشینه تاریخی صدر اسلام، وقایع و زندگی امامان شیعه اثنی عشری و تاریخ معاصر، کوشش‌های فکری و قلمی روحانیون و پیروانشان، شرایط جدید و بهره‌گیری از تفکرات انقلابی رایج جهانی و اندیشه‌های احیاشده دینی - مذهبی به سمت انقلابی‌گری حرکت کردند. در گفتمان اسلامی پیوند عمیق‌تر دین و سیاست و بنیاد اسلامی ایدئولوژیکی به وسیلهٔ اندیشمندان و انقلابیون اسلامی، انقلابی شدن مذهب و رفتارهای سیاسی - اجتماعی، محور و مبنا قرار گرفت.

از مهم‌ترین ابزارهای مبارزه، کتاب‌ها و جزوات چاپی بود و به خاطر حساسیت حکومت به این افراد و افکار انقلابی طرفداران امام خمینی رهبر مخالفان، خیلی زود ممنوع القلم و ممنوع‌الانتشار شدند و از خوانش آثار آن‌ها جلوگیری شد. مهم‌ترین روش در این شرایط، روش‌های مخفیانه و زیرزمینی بود که از طریق همین کتاب‌ها و جزوات چاپی، توزیع و خوانده می‌شد. خوانش انقلابی کتاب‌ها و جزوات ممنوعه خود عامل محوری در تداوم و پیشبرد اهداف انقلابی تلقی گردید.

این مقاله در پی پاسخ به این سؤالات است؛ کتاب‌های ممنوعه (غیرادبی) گفتمان اسلامی - شیعی در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۴۲، چگونه بر شیوه و مشی انقلابی مخالفان رژیم پهلوی تأثیر نهاد؟ انقلابیون برای جذب اعضای جدید، تشویق و استمرار حرکت انقلابی، چه برنامه‌هایی برای خوانش انقلابی کتاب‌های ممنوعه داشتند و با چه شیوه‌هایی انجام شد؟ انقلابیون و مبارزان این دوره چه کتاب‌ها و با چه اهداف و انگیزه‌هایی خواندند؟ چه طیف‌ها و چه گروه‌های انقلابی‌ای از افراد باسواد، جوانان، دانشجویان، روشنفکران و با چه انگیزه‌هایی به خوانش و چاپ، توزیع و مبادله این کتاب‌ها پرداختند؟

کارکرد و تأثیر خوانش انقلابی

در جامعه‌شناسی ادبیات^۱ باز مفهوم‌سازی خوانندگان به‌عنوان عاملان خلاق، به‌جای گیرندگان منفعل آنچه نویسندگان ارائه می‌کنند اهمیت زیادی دارد. در این دیدگاه خوانندگان تحت تأثیر عوامل جنسیت، طبقه، موقعیت شغلی، ملیت، تجربه زندگی و چگونگی خواندن قرار می‌گیرند (گریس ولد ۱۳۸۳: ۱۳۷-۱۳۶). به نظر لئار ادبیات در آن واحد و به طرز جدایی‌ناپذیر هم کتاب است، هم اثر ادبی و هم خواندن و مطالعه. کتاب، یعنی کالایی که در یک چرخه بازرگانی، توزیعی و نهادی قرار می‌گیرد؛ اثر ادبی، یعنی کاربر اندیشه و زبان، کاری که ارجاعات مفهومی و خیالی، تخیلی یا واقعی دارد؛ خواندن، یعنی مکالمه و ارتباط میان نوشته (نویسنده) و خواننده، جامعه و گروه‌های سازنده جامعه یا گروه‌های بیگانه با آن (پوینده ۱۳۹۰: ۶۷). در کل جامعه‌شناسی ادبیات با کاربرد شیوه‌های جامعه‌شناسی در مورد پخش، فروش و خوانندگان، نهادهای ادبی، گروه‌های حرفه‌ای مانند نویسندگان، استادان یا منتقدان و هر آنچه در ادبیات خارج از خود متن است، تلاش می‌ورزد (پوینده ۱۳۹۰: ۶۷؛ فاضلی و کریم پور ۱۳۸۹: ۵۹).

اسکارپیت به تمایز میان جامعه‌شناسی ادبیات و جامعه‌شناسی پدیده ادبی پرداخت و سه وجه ویژه؛ کتاب، ادبیات و خواندن، اما جدایی‌ناپذیر از هم برای جامعه‌شناسی پدیده ادبی قائل است. در جامعه‌شناسی دریافت یا ذوق ادبی بررسی این نکات لازم است؛ پذیرش جمعی اثر و عوامل مؤثر در آن، افق انتظار خوانندگان و تنوع خوانش آن‌ها، جنبه‌های اجتماعی رفتار خوانندگان، تحلیل مکالمه میان اثر و خواننده و عوامل فردی و اجتماعی دخیل در آن در ادوار مختلف، زنجیره پذیرش اثر در سیر تاریخی آن، تنظیم منسجم تاریخی ادبی، نو کردن، تغییر جایگاه و جان دوباره بخشیدن به آن (فاضلی و کریم پور ۱۳۸۹: ۵۹). در تقسیم‌بندی دیگری

1. sociology of literature.

جامعه‌شناسی پدیدهٔ ادبی دو قسمت است؛ جامعه‌شناسی تولید و نشر آثار ادبی و جامعه‌شناسی خواندن. جامعه‌شناسی تولید و نشر ادبی به تحلیل‌های جامعه‌شناختی در زمینهٔ تولید، توزیع و مصرف محصولات هنری و ادبی بر اساس داده‌های اطلاعاتی و آماری می‌پردازد و مطالعات آن بر محور بررسی پیوند میان شرایط اجتماعی و اقتصادی با فرآیند تولید و نشر محصولات ادبی متمرکز است. جامعه‌شناسی خواندن بر این اندیشه است که جامعه پس از خلق اثر نیز وجود دارد و هر اثر به‌طور آشکار یا ضمنی، با مخاطبان و خوانندگان مواجه است که خود نیز به سه قسمت است؛ جامعه‌شناسی عرضهٔ خواندن: مطابق شرایط اجتماعی و ساختارهای مختلف یک دوران معین، چه نوع آثاری به مخاطبان عرضه می‌گردد، شبکه‌های عرضه چگونه‌اند و خوانندگان بالقوهٔ آثار چگونه می‌توانند به آن‌ها دسترسی پیدا نمایند؛ جامعه‌شناسی گزینش خواندن: خوانندگان مطابق شرایط فردی و اجتماعی چه آثاری را جهت خواندن برمی‌گزینند. به عبارت دیگر، سلیقه‌های حاکم بر گزینش خواندن چگونه شکل‌گیری و سمت‌گیری می‌یابد و کدام تکیه‌گاه‌های تبلیغاتی، انتقادی یا مانند آن‌ها گزینش‌ها را پایه‌ریزی و توجیه می‌کند؛ جامعه‌شناسی دریافت یا ذوق ادبی: در این نوع درک پدیدهٔ اساسی خواندن؛ یعنی فعالیت فکری و لذت‌بخش خواندن برای خواننده، یا به عبارت دیگر، تجربهٔ زیباشناختی خواندن اهمیت دارد (فاضلی و کریم پور ۱۳۸۹: ۵۹).

از اهداف اصلی بررسی‌های جامعه‌شناختی دربارهٔ وضعیت خوانندگان: چه گروه‌هایی مصرف‌کنندهٔ کتاب هستند، چه گروه‌هایی به چه نوع آثاری علاقه‌مندند، مقایسه تحولات روی داده در زمینهٔ «کتاب‌خوانی» در زمان‌ها و کشورهای مختلف و مانند آن... (فاضلی ۱۳۷۴: ۱۳۰-۱۲۹). البته بیشتر این دیدگاه‌های نظری مبتنی بر آثار چاپ شده رسمی است و در این نوشتار این دیدگاه‌ها در مورد نوشته‌های چاپی غیررسمی و زیرزمینی آزموده می‌شود.

گفتمان اسلامی - شیعی و خوانش انقلابی

چهار رکن اصلی گفتمان اسلامی - شیعی این دوران؛ امام خمینی، جلال آل احمد، مهدی بازرگان و علی شریعتی بودند و بسیاری از انقلابیون درگیر خوانش، نشر و توزیع کتاب‌ها و جزوات آن‌ها بودند. محورهای اصلی این گفتمان؛ خواست و پیگیری سرنگونی رژیم شاه، سرزنش امپریالیسم و دست‌نشانده‌گان آن، طرح مسئله غرب‌زدگی، نظم اقتصادی غیرعادلانه و مشکلات اجتماعی و سیاسی، شناسایی ماهیت اسلام اصیل، بازنمایی نظریه سیاسی شیعه، وجود همه قوانین و اصول در اسلام برای آسایش و کمال انسان، تأسیس حکومت اسلامی بر اساس ولایت فقیه، ریشه‌های

توسعه‌نیافتگی ایران، نقد روشنفکران ایرانی، رهایی فرهنگ و تمدن ایرانی از سلطه غرب، حفظ اسلام در برابر لیبرالیسم، استنادهای علمی برای رفع تعارض میان علم و دین، نقادی ایدئولوژی‌های مارکسیسم، لیبرالیسم و آگزیستانسیالیسم و ارائه ادله و استدلال‌ات برتری اسلام بر این ایدئولوژی‌ها بود. همچنین کتاب‌های ممنوعه مربوط به این گفتمان بر ضرورت تشکیل حکومت و اقتصاد اسلامی و تشکیلات آن، انقلابی‌سازی و سیاسی کردن اذهان خوانندگان این گفتمان، پیوند انقلاب و واقعه کربلا، بازشناسی سیره پیشینیان و رهبران دینی با تأکید بر انقلابی‌گری، واکاوی مهدویت و قیام‌های انقلابی شیعی، تمرکز بر مسئله فلسطین اشغالی و اسرائیل غاصب و مسائل دنیای اسلام، بیان مبارزات و قهرمانان ضد استعمار و حرکت‌های ضد استبدادی ایران و دنیای اسلام و سایر نقاط جهان، نقد غرب و مشکلات فعلی آن، تأکید داشت.

از رهبران و نظریه‌پردازان انقلابی ایرانی و غیر ایرانی دیگر این گفتمان می‌توان به هاشمی رفسنجانی، مصطفی زمانی، جلال‌الدین فارسی، یحیی نوری، مرتضی مطهری، مکارم شیرازی، حجتی کرمانی، محمدرضا حکیمی، آیت‌الله طالقانی، گلزاده غفوری، محمداقبر صدر، بهشتی، علی مشکینی، سیدغلامرضا سعیدی، سیدقطب، مودودی، محمدجواد مغنیه، سیدابوالحسن الحسنی، حسنین هیکل، سامی النجدی، جورج جرداق، مالک بن نبی الجزیری، فرانسیس فانون، عمار اوزگان اشاره داشت و گروه‌ها و جمعیت‌های انقلابی؛ حوزه‌های علمیه و مساجد، نهضت آزادی ایران، سازمان مجاهدین خلق (تا ۱۳۵۴ زمان اعلام رسمی تغییر ایدئولوژیک سازمان)، حزب ملل اسلامی، حسینیه ارشاد، جمعیت مؤتلفه هیأت‌های اسلامی، مجمع علمی اسلام‌شناسی، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان ایرانی خارج از کشور و ناشران و کتاب‌فروشان انقلابی؛ انتشارات پایدار، اسلامی، شرکت سهامی انتشار، بعثت، توس، دارالتبلیغ قم، مؤسسه انتشاراتی پیام اسلام، چاپخانه فاروس، کتاب‌فروشی آذر، توس تهران، کتاب‌فروشی‌های خیابان ناصرخسرو و کوچه حاج نایب بازار تهران و دیگر شهرها، همگی در نگارش، نشر و توزیع کتاب‌های این گفتمان نقش اساسی داشتند.

اکثر انقلابیون در این چرخه نگارش، تولید، توزیع و خوانش کتاب‌های ممنوعه دخیل بوده‌اند؛ یا می‌نوشتند، یا چاپ و توزیع می‌کردند و یا به‌طور هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده به خوانش انقلابی می‌پرداختند. خوانش انقلابی به معنای خواندن کتاب‌ها یا جزواتی بود که شور انقلابی و اندیشه انقلابی‌گری را در وجود افراد تقویت می‌کرد و به آن‌ها هویت و شخصیت انقلابی می‌بخشید تا وضع کنونی را برنتابند و از هیچ مجازات و سیاستی نهراسند و به تغییر وضعیت و تشکیلات فعلی حکومتی واداشته شوند.

کارکرد و تأثیر کتاب‌های ممنوعه و خوانش انقلابی

برای اثبات کارکرد و تأثیر کتاب‌های ممنوعه و خوانش آن‌ها به وسیله افراد و گروه‌ها آمار متقن و دقیقی در دست نیست و بیشتر اتکا به اسناد حکومتی و گفته‌های انقلابیون و شواهد موجود است. در مصاحبه‌ای از اندیشمندان و انقلابیون ایران در دهه ۵۰ شمسی پرسیده شده است که «انقلابی‌ها چه می‌خواندند؟» و اطلاعات مهمی درباره خوانش انقلابی به دست می‌دهد. افراد انقلابی و انتخابی این مصاحبه کسانی بودند که بیش از همه کتاب‌های دکتر شریعتی، استاد مطهری، آل احمد، مهندس بازرگان، امام خمینی، طالقانی، محمدرضا حکیمی، هاشمی رفسنجانی، جلال‌الدین فارسی و گلزار غفوری را خوانده بودند. کتاب‌های شریعتی؛ *فاطمه فاطمه است*، *آری اینچنین بود برادر*، *شیعه یک حزب تمام*، *پدر! مادر! ما متهمیم*، *تشیع صفوی تشیع علوی*، *علی تنهاست*، *حسین وارث آدم و تاریخ ادیان* و کتاب *عوب ز زندگی آل احمد* پر خواننده بود. اکثر این افراد کتاب‌ها و سخنرانی‌های دکتر شریعتی را مهم‌ترین و تأثیرگذارترین منابع مطالعاتی نسل جوان و دانشجوی دهه ۵۰ شمسی می‌دانند (روزنامه اعتماد ۱۳۹۳: <http://puyesh.net/fa/news/>).

شریعتی بر جنبه‌های انقلابی و مفاهیم روز و مکتب‌ها تأکید داشت و فضای مذهبی‌ها را تقویت کرد و «حس اعتماد به نفس در میان دانشجویان مذهبی، رشد کرد» (عبدی ۱۳۹۳: ۲۱۹). برخی از دانشجویان مذهبی پلی تکنیک گفته‌اند که کتاب‌های شریعتی را بعضاً هفت، هشت بار خوانده‌اند و حتی جملات و پاراگرافش را حفظ می‌کردند و نیز دانشجویان شب تا صبح وقت می‌گذاشتند و کتاب را می‌خواندند و فردا کتاب را تحویل می‌داد (عبدی ۱۳۹۳: ۳۰۶؛ نیک‌بخت ۱۳۸۱: ۲۴۹).

کتاب‌های شریعتی به بیان انقلابیون «احساسات مبارزه‌جویی را برمی‌انگیخت» و آماده مبارزه و شهید شدن می‌شدند و همچنین در جذب نیروهای تازه‌وارد به دانشگاه در فضایی انقلابی مؤثر بود (نیک‌بخت ۱۳۸۱: ۲۵۲-۲۵۰). «کتاب‌های دکتر شریعتی نیز باعث شد که دانشجویان مبارزه را تا مرز شهادت و فداکردن همه چیزشان در این مسیر شدت دهند...» (موزه عبرت ایران ۱۳۸۴: ۵۵).

خوانندگان کتاب‌های شریعتی متنوع و از گروه‌های مختلف بودند. در گزارش ساواک چند کارگر کارخانه ارج خریدار کتاب‌های دکتر بودند و به مبادله مخفیانه آن در لباس کنی کارخانه، پرداختند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۷۸ ج ۲: ۴۲۵). دانش آموزان نیز از خوانندگان گسترده کتاب‌های شریعتی بودند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۷۸ ج ۲: ۴۴۴). کتاب‌ها و جزوات شریعتی به انحاء گوناگون و در مکان‌های مختلف میان افراد جامعه این دوران تبادل و خوانده می‌شد (مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۷۸ ج ۳: ۳۱۵). میثمی از مجاهدین خلق از این فضای رقابتی برای مطالعه کتاب‌های شریعتی می‌گوید: «تمامی بحث پیروان دکتر بر سر این بود که کتاب‌های

دکتر را چه کسی بهتر و بیشتر فهمیده است...» (میثمی بی تاج: ۱: ۴۰۷). دانشجویان خارج از کشور نیز در مقابله با مخالفین اسلام جز کتاب‌های دکتر شریعتی کتاب دیگری نداشتند. در این فضا معمولاً دوره کامل کتاب‌های او مورد مطالعه قرار می‌گرفت و در تفاسیر قرآن نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت و شور بیشتری برای رفتن به سوی اسلام ایجاد می‌کرد (امجدی ۱۳۸۳: ۲۹۲).

کتاب **عوبز دگی** آل احمد که طی سه سال ۲۰ بار به‌طور قاچاقی و پنهانی چاپ شد نیز در اولویت کتاب‌خوان‌های آن روز بود (عبدی ۱۳۹۳: ۱۶۶). مذهبی‌ها مشخصاً کتاب‌های بازرگان، مطهری و شریعتی را می‌خواندند (عبدی ۱۳۹۳: ۱۶۷). کتاب‌های شریعتی، طالقانی و مطهری و بازرگان در تعمیق و تشدید مباحث اعتقادی در دانشگاه تأثیر داشت (نیک‌بخت ۱۳۸۱: ۳۲۸، ۳۹۰). دانشجویان مذهبی دانشگاه پلی‌تکنیک همچنین کتاب‌های **اقتصادنا** محمدباقر صدر، **انقلاب تکاملی** جلال‌الدین فارسی، **تکامل** سبحانی و **در خدمت و خیانت روشنفکران** آل احمد را می‌خواندند (عبدی ۱۳۹۳: ۳۰۶). در سال‌های دهه پنجاه ساواک نسبت به کتاب‌های دکتر شریعتی و مطهری حساس بودند و بازجوها در این خصوص فشار زیادی می‌آوردند (غیائیان ۱۳۸۸: ۹۳). کتاب‌های مصطفی زمانی نیز در میان مذهبیون، خوانندگان زیادی داشت و اکثر انقلابیون آن زمان، کتاب‌های تألیفی و ترجمه‌ای او را خوانده بودند و در حوزه مطالعات سیاسی جاذبه زیادی داشت (علی محمدی ۱۳۹۲: ۷۸-۷۹).

کتاب **حکومت اسلامی یا ولایت فقیه** امام خمینی، در میان دانشجویان دانشگاه تبریز در ۱۳۵۴ دست‌به‌دست گشت و «تحول خیلی عظیمی» ایجاد کرد و نیز ذکر شده «مدتی که از پخش کتب و جزوات حکومت اسلامی می‌گذشت طیف وسیعی از جوانان به امام خمینی گرایش پیدا کردند و مقلد ایشان شدند. گروهی از این جوانان در اروپا و امریکا بودند...» (نیک‌بخت ۱۳۸۱: ۵۸۲؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۱: ۶۳).

هادی خانیکی معتقد است آثار دهه ۵۰ شمسی هم از لحاظ ادراک و تفهم نسبت به مسائل سیاسی روز جامعه و هم از لحاظ انگیزش و تهییج انقلابی اهمیت داشت و کتاب‌های دکتر شریعتی در فضای مذهبی - سیاسی آن زمان جذابیت بیشتری داشت. در کنار شریعتی، آثار روشنگرانه استاد مطهری، بازرگان و طالقانی نیز تأثیر گذار بود. بخشی از این جذابیت «بیشتر مرهون محدودیت و ممنوعیت» این کتاب‌ها بود (روزنامه اعتماد ۱۳۹۳: <http://www.zamannews.ir>). عبدی هم به کارکرد ممنوعیت در جذب و جلب جوانان به کتاب‌های با مهر ممنوعه صحنه می‌گذارد و معتقد است که نتیجه این فضا، رشد روزافزون مبارزه‌طلبی از سوی هر دو گروه چپ و مذهبی در داخل و خارج از کشور بود (عبدی ۱۳۹۳: ۱۶۷-۱۶۶). دانشجویان این زمان بیشتر کتاب‌های احساسی و

مهیج می خواندند (عبدی ۱۳۹۳: ۳۰۷). از لحاظ روانی جامعه ایرانی به حالتی رسید که اگر کتابی ممنوع می شد برای تهیه و مطالعه آن بیشتر تحریک می شدند و جاذبه اش فراوان تر می شد (آذرننگ و دهباشی ۱۳۹۳: ۱۱۸).

نتیجه این فرآیند این بود که تعداد کتاب‌های ممنوعه چاپ داخل و خارج، در ۱۳۵۶ به بیش از هفتصد جلد رسید (فردای ایران ۱۳۶۰ شماره ۵: ۴۷۸-۴۶۲، شماره ۶: ۵۵۵-۵۴۸) و نیز در اواخر دهه چهل شمسی تعداد کتاب‌های دینی افزایش یافت و ذکر شده است: «در کتبی که اخیراً چاپ می شود اکثراً منظور سیاسی وجود دارد» (معاونت ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور مرکز پژوهش و اسناد ۱۳۹۱ ج ۱: ۳۰۳).

سیدعلی اندرزگو در باب اهمیت و کارکرد کتاب و مطالعه گفته است: «افراد مذهبی نباید قبل از اینکه تجربه و مطالعه به اندازه کافی به دست نیآورده‌اند دست به کارهایی بزنند که باعث از بین رفتن آن‌ها می شود و استفاده کردن از تجربیات و همفکری با دیگران برای آن‌ها لازم است و حتی باید از مطالعات و فکر افراد غیرمذهبی استفاده کرد...» (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات ۱۳۷۷: ۲۸۷).

خوانش انقلابی معمولاً منجر به جذب نیروهای جدید می شد. آن زمان رقابت شدیدی میان دانشجویان چپ و مذهبی بود و برای جذب دانشجویان تازه‌وارد تلاش زیادی می کردند. کتاب‌های شریعتی به جذب نیروهای تازه‌وارد در جبهه دانشجویان مذهبی یاری بسیار رساند (نیک‌بخت ۱۳۸۱: ۲۵۱-۲۵۰).

فوران در تحلیل خود از انقلاب اسلامی معتقد است که اسلام مبارزه جوانه امام در میان طلاب حوزه و بعضی گروه‌های بازاری، اسلام رادیکال شریعتی در میان دانشجویان، اسلام لیبرال بازرگان در میان حرفه‌ای‌ها و متخصصان و سوسیالیسم اسلامی مجاهدین در میان دانشجویان رواج و هواخواه داشته است (فوران ۱۳۸۸: ۲۷۶-۲۷۵) و در موارد متعدد، متنوع بودن و گسترده بودن اندیشه‌های این رهبران فکری در تمام گروه‌ها و قشرها مشهود بود و نمی توان به طور قطعی گروه خاصی را تنها خواننده این افکار و اندیشه‌ها قلمداد نمود.

از مسائل مهم، چرایی گرایش به رشد و گسترش خوانش گفتمان شیعی - اسلامی است. از علت‌های مهم این قضیه، ضعف فکری و ایدئولوژیک و عدم آگاهی کافی انقلابیون مذهبی نسبت به انقلابیون چپی بوده است. عزت شاهی از انقلابیون در ۱۳۴۸ به طور فردی به این واقعیت اذعان دارد: «ما افرادی را برای به دست گرفتن سلاح و کشتن، آماده می کردیم؛ ولی از نظر ایدئولوژی آن‌ها پاسخی نداشتیم، این خلأ بزرگی بود. البته ما قرآن زیاد می خواندیم. برخی

رفقای ما با ترجمه و تفسیر قرآن آشنا بودند... مطالعات ما بیشتر در حوزه کتاب‌های مهندس بازرگان و برخی کتب متفرقه ترجمه‌شده کشورهای عربی بود. با این وصف ما آگاهی کاملی از مذهب نداشتیم. بیشتر اطلاعات ما از مذهب، سنتی و خانوادگی بود و در سطح اطلاعات ارائه‌شده در هیئت‌های مذهبی و جلسات روحانیون بود... (کاظمی ۱۳۹۰: ۴۸-۴۷). به هر حال در وضعیت انقلابی پیش آمده آن زمان گروهی فقط به «مبارزه» اعتقاد داشتند و عده‌ای به «اعتقاد» اولویت می‌دادند؛ اما در جریان سال‌ها چرخه مستمر انتخاب عمل یا تفکر انقلابی می‌توان به این نتیجه رسید که اکثر انقلابیون بر اساس صدها کتاب و جزوه نشر دهنده تفکرات، اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های انقلابی، به باور هم‌زمانی مبارزه و اعتقاد رسیدند.

بحث دیگر این است که آیا این سطح مطالعه و خوانش را می‌توان تنها بر اساس احساسات و سلیقه‌های سیاسی و انقلابی تفسیر و تعبیر کرد. این میزان مطالعه از لحاظ زمان اختصاصی انقلابیون، تعداد کتاب‌های تخصیص شده به این امر چه کتاب‌های ممنوعه و چه غیرممنوعه از هر طیف اندیشه - که باهم مکملی برای تکمیل دانسته‌های انقلابیون و تعمیق دانسته‌های آن‌ها به شمار می‌آمد - دارای اهمیت بسیار است. در این خصوص می‌توان به دسته‌بندی‌هایی پرداخت. اول: دسته‌ای تولیدکنندگان این نظریه‌ها و ایده‌ها بودند و بخش مهم کتاب‌های ممنوعه حاصل اندیشه ورزی آن‌ها بود. دوم: دسته‌ای دیگر خوانندگان حرفه‌ای و نیز عاملان فکری این اندیشه‌ها بودند و در بحث‌ها و تبادل نظرات فعال و توانا، عمل می‌کردند و گاهی هم به صورت محدود به تألیف و ترجمه کتاب‌هایی دست می‌زدند. شاید از لحاظ تعداد زیاد نبودند؛ ولی از لحاظ تأثیر بر رده‌های پایینی جامعه و از جهت تفسیر و انتقال آرا و نظرات دسته اول بسیار جایگاه مهمی داشتند. سوم: دسته آخر خوانندگانی بودند با طیف وسیع و متنوعی از لحاظ سلاقی و علائق، گروه و طبقه و تحصیلات و تفکرات خوانندگان صرف این کتاب‌ها بودند که با روش‌های معمول آن زمان به خوانش و با شیوه‌های فردی و جمعی به تعمیق و تفهیم این مطالب پرداختند. نمی‌توان این خوانندگان را منفعل و چشم‌پسته این نوشته‌ها دانست. شواهد و اسناد می‌تواند به پژوهشگر این جسارت را بدهد که بگوید خوانندگان این دوره به صرف احساس و جو فضای سیاسی - اجتماعی آن موقع به خوانش و تبادل این کتاب‌ها پرداختند. در سیر مستمر مطالعه و خوانش این کتاب‌ها، پختگی لازم، اتفاق می‌افتاد و در مطالعات به ارتقای میزان و نوع و کیفیت خوانش می‌پرداختند. سعید محسن از سران سازمان مجاهدین در این باره می‌گوید:

در ابتدا ما نمی‌دانستیم روش صحیح مطالعه کردن چیست و مدتی بی‌برنامه مطالعه می‌کردیم. هر کتابی که چاپ می‌شد، می‌خواندیم. اگر می‌خواستیم

بحث و بررسی کنیم که چه کتابی را بخوانیم یا نخوانیم، این بحث بیشتر به درازا می کشید و به جای آن می شد چند کتاب خواند...مدتی طول کشید تا این مطالعات کاتالیزه و برنامه ریزی شد؛ یعنی به سرنخ‌هایی رسیدند و روی کتاب‌های خاصی دقت کردند. در مورد روش‌شناسی انگیزه پیدا کردند و مطالعاتشان جهت‌دار شد (میثمی بی تا ج ۱: ۳۳۰-۳۲۹).

شیوه‌های خوانش انقلابی

شیوه مرسوم این دوره «خوانش گروهی» بود که به مطالعه و تحلیل و تفسیر و شناخت عمیق‌تر مسائل مندرج در کتاب‌های پرداختند و در این شیوه کسانی که بیشتر اطلاعات و دانش داشتند رهبری گروه مطالعاتی را دست می گرفتند و با آموزه‌هایی که می‌دانستند نوآموزان گروه را طی چند جلسه و از طریق خواندن کتاب‌های مختلفی در جریان مسائل روز و به خصوص انقلابی، قرار می‌دادند. بخش مهمی از کتاب‌های انتخابی برای خوانش، کتاب‌های ممنوعه بود. چون غالب این جلسات مطالعاتی گروهی، اهداف انقلابی و مخالف حکومتی داشت این خوانش را به خوانش انقلابی مبدل کرد.

برخی مواقع این «خوانش‌های توأم با بحث و تفسیر» به صورت کلاس درس برگزار می‌شد. دانشجویان مذهبی دانشگاه پلی‌تکنیک تهران برای بررسی مسائل سیاسی و افکار سیدقطب، اسلام‌گرای مصری که همه کتاب‌هایش ممنوعه بود، به صورت کلاس درس جلسه می‌گذاشتند (عبدی ۱۳۹۳: ۱۴۷). دانشجویان صرفاً مذهبی و غیرسیاسی هم «اقدام به برگزاری جلسات مذهبی و قرآن‌خوانی و کتاب‌خوانی کردند» که همراه با دعوت از اندیشمندان دینی همچون محمدتقی جعفری، باهنر، محمدتقی شریعتی و در مواردی هم استاد مطهری بود و پس از سخنرانی، پرسش و پاسخ آغاز می‌شد و مکان جلسات در منازل دانشجویان مذهبی بود (عبدی ۱۳۹۳: ۱۵۰-۱۴۹). دانشجویان مذهبی تبریز در دهه ۵۰ شمسی به برگزاری کلاس‌های سرپسته و انجمن‌های شبانه در خوابگاه و منازل و طرح مسائل فقهی و سیاسی با یاری استادان دانشگاه اقدام ورزیدند (نیک‌بخت ۱۳۸۱: ۵۷۰، ۵۷۶).

انجمن اسلامی دانشکده فنی دانشگاه تهران جلسات خود را در کلاس‌های پنج نفره برگزار می‌کرد و اغلب یک نفر مقاله‌ای از سیدقطب را قبلاً می‌خواند و در کلاس خلاصه‌اش را می‌گفت و یا درباره مسئله‌ای مذهبی تحقیق می‌کرد و برای بقیه توضیح می‌داد و گاهی متفکران باتجربه را همانند علی اسپهبدی و جلال‌الدین فارسی، برای شرکت در جلسات خود دعوت

می‌کردند و برای آن‌ها سخنرانی می‌کردند (میثمی بی‌تا ج ۱: ۳۴). اکثر افراد این جلسات اغلب مبارز شدند و ۷-۸ نفر از آن‌ها به شهادت رسیدند یا به زندان افتادند (میثمی بی‌تا ج ۱: ۴۶). در جلسات محلی انجمن اسلامی آمریکا در شهرهای مختلف با جمعیت ۳۰ تا ۴۰ نفری برنامه مطالعاتی چنین بود که یک کتاب انتخاب می‌شد و همه موظف بودند ۳۰ صفحه از کتاب را بخوانند. هر کسی یک ربع تا بیست دقیقه خلاصه این سی صفحه را بیان و بقیه هم در این باره بحث می‌کردند. حدود زمانی این برنامه یک ساعت بود (امجدی ۱۳۸۳: ۲۹۳). در انجمن اسلامی آمریکا با آزادی بیشتر گروه‌های مطالعاتی تشکیل دادند و نتیجه مطالعات به صورت سمینار ارائه می‌شد (امجدی ۱۳۸۳: ۲۸۹). نشست‌های مطالعاتی نیز میان دانشجویان مرسوم بود و با چند نفر و خواندن متون برگزیده شروع و به بحث و گفتگو منتهی می‌شد. معمولاً گفتگوها به مسائل سیاسی روز و مشکلات اجتماعی موجود پیوند می‌خورد (نجات حسینی ۱۳۷۹: ۴۱-۴۰). دانشجویان دانشگاه تهران برای انجمن اسلامی دانش آموزان نیز برنامه کار و مطالعه تنظیم کردند و قرار شد بر اساس موضوع انتخاب شده به مطالعه و تحقیق پردازند و مقاله بنویسند و در جلسه آن را بخوانند (میثمی بی‌تا ج ۱: ۴۶-۴۵).

انجمن اسلامی دانش آموزان مسجد امام صادق^(ع) در خیابان بوذرجمهری با حدود صد نفر جمعیت به تبادل کتاب و خوانش منابع مطالعاتی خاصی از مکارم شیرازی، طالقانی، بازرگان و برخی نویسندگان حوزه پرداختند (دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری ۱۳۷۶: ۲۸). کتاب خوانی انقلابیون غالباً «خوانش فردی» بود و به خواندن و خلاصه‌نویسی و نقد و بررسی کتاب‌های انقلابی می‌پرداختند. دفترچه‌های یادداشت باقی‌مانده از مجید شریف واقفی نشانگر کیفیت مطالعات، علاقه‌مندی‌ها و میزان اطلاعات اوست (ساسان پور ۱۳۸۶: ۶۰-۴۸). در این دوره میزان مطالعات انقلابیون و هواداران مذهبی افزایش یافت و در نقل قولی در سال ۱۳۵۳ در منزل هر دانشجوی مسلمان پنجاه جلد کتاب وجود داشت که دست‌به‌دست می‌گشت و دانشجویان مذهبی در مجامع عمومی مثل خوابگاه‌ها، کلاس‌ها و حتی محوطه دانشگاه، بحث‌های اعتقادی و ایدئولوژیکی بیشتری مطرح می‌کردند (نیک‌بخت ۱۳۸۱: ۵۷۰-۵۶۹). مطالعه انفرادی در میان دانشجویان دانشگاه تبریز نیز رواج داشت و این مهم از طریق کتاب‌های شریعتی، مطهری، بازرگان، دکتر پیمان، رهنورد، فارسی، حجازی - تهیه شده از تهران و قم - رقم می‌خورد (نیک‌بخت ۱۳۸۱: ۵۷۶). در این نوع مطالعه معمولاً قسمت‌های مهم حفظ می‌شد و زیر برخی مطالب خط کشیده می‌شد (میثمی بی‌تا ج ۱: ۳۳۳).

به طور معمول مطالعات فردی تبدیل به مباحثات جمعی می‌شد و مبادله کتاب‌ها هم به ایجاد شبکه افراد همفکر و همراه منجر شد و اکثر انقلابیون آن را تجربه و تکرار کردند (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱۳۸۷: ۸).

سازمان مجاهدین به لحاظ امنیتی بر مطالعات فردی تأکید داشت که از هر نوع حاشیه‌نویسی یا خط کشیدن زیر مطالب مهم در کتاب‌ها پرهیز کنند؛ زیرا وسیله مناسبی برای معرفی دیدگاه‌ها و عقاید سیاسی و عقیدتی فرد به دیگران و پلیس بود (انتشارات به زبان خارجی هانوی ۱۹۷۳: بیست و پنج). این شیوه بیشتر بر حافظه فرد انقلابی تأکید داشت. آن‌ها بر این نظر بودند که برای اینکه بتوانیم از نوشته‌ها و مدارک ارتباطاتی و تشکیلاتی اثری به جا نگذاریم باید از قوه حافظه حداکثر استمداد و استفاده را به عمل آوریم و با عادت کردن به این روش و تمرین و ورزیدگی حافظه می‌توان بحث‌های تعلیماتی و تشکیلاتی را از طریق به خاطر سپردن روش و ترتیب مطالب مهم تماماً حفظ نموده و از نقل و انتقال زیاد نوشته‌ها و مطالب تعلیماتی و تشکیلاتی اجتناب نماییم (سازمان مجاهدین خلق ایران ۱۳۵۲: ۳۹-۳۸).

از روش‌های دیگر، گرداننده جلسات پیشنهاد می‌کرد تا درباره مسائل اسلامی هر کس موضوعی را انتخاب کند و درباره آن تحقیق و مطالعه کند (میثمی بی‌تاج ۱: ۳۴).

حنیف نژاد از سران مجاهدین به خوانش انقلابی گروهی اعتقاد راسخی داشت. از کتاب‌های معمولی که گروهی خوانده می‌شد، مطالب زیادی درمی‌آورد و بر این نظر بود که بسیاری از مطالب به تنهایی درک نمی‌شود (میثمی بی‌تاج ۱: ۲۴۵-۲۴۴). او در بازجویی‌ها اعتراف کرد که مجاهدین خلق تا ۱۳۴۶ فقط مطالعه می‌کردند (عبدی ۱۳۹۳: ۱۰۶). حنیف نژاد به حجم مطالعات برای نگارش جزوه «مبارزه چیست؟» اشاره دارد: «این کاری که تدوین شده، حاصل مطالعه نزدیک به ۳۰۰۰ جلد کتاب است...» او به کسانی که در سازمان کم مطالعه می‌کردند انتقاد داشت (میثمی بی‌تاج ۱: ۳۲۹، ۳۳۸). او در بازجویی‌هایش به جلسات و نشست‌های مطالعاتی و مباحثاتی با افراد مختلف برای جذب عضو و نیز با اعضا برای تکمیل مراحل فکری - ایدئولوژیکی آنان، اشارات متعددی دارد (جمعی از پژوهشگران ۱۳۸۴ ج ۱: ۶۷۳-۶۶۹).

از شیوه‌های مرسوم دیگر، مطالعه از پیش بود. حسین فدایی از گروه «توحیدی بدر» بیان می‌کند که افراد حاضر پیش از جلسه به مطالعه مطالب تعیین شده می‌پرداختند و این باعث می‌شد که سریع‌تر بخوانند. در مطالعات تعیین شده تقسیم کار انجام می‌شد و مطالعات موضوعی بود. این جلسات به طور مخفیانه برگزار می‌شد (امجدی ۱۳۸۳: ۱۶۱، ۱۶۷). خوانش و نقد کتاب‌های ایدئولوژی‌های دیگر و معمولاً مخالف نیز معمول بود (امجدی ۱۳۸۳: ۲۸۹).

بازجوکننده‌های این دوره از مهم‌ترین سؤالاتی که برای مشخص کردن جریان فکری فرد انقلابی و تعیین همفکران او می‌پرسیدند این بود که چه کتاب‌هایی می‌خواندید؟ با چه افرادی در زمینه ایدئولوژی و حکومت اسلامی بحث و گفتگو می‌کردی؟ اصول عقیده‌اتان چیست؟ از چه کسانی گرفته‌ای؟ به چه کسانی کتاب داده‌ای؟ و از این سؤالات که به‌طور مستقیم با نوع و شیوه خوانش آن‌ها در ارتباط بوده است (نیک‌بخت ۱۳۸۱: ۵۷۶-۵۷۵؛ کاظمی ۱۳۹۰: ۱۸۸-۱۸۷؛ موزه عبرت ایران ۱۳۸۴: ۶۹؛ حاجی تبریزی ۱۳۸۳: ۱۹۲).

سیر و برنامه مطالعاتی

در این دوره «سیر و برنامه مطالعاتی» به وسیله افراد خبره و اهل فن به‌صورت شفاهی یا مکتوب پیشنهاد شد و بر این اساس افراد در زمانی معین کتاب‌های تعیین‌شده را مطالعه می‌نمودند و پس‌ازاین مدت در جایگاه فکری بالاتری جای می‌گرفتند. ناجیان، دانشجوی مذهبی پلی‌تکنیک، برای دانشجویان سیر مطالعاتی نوشته بود (عبدی ۱۳۹۳: ۳۰۹). اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا نیز در اطلاعیه ۱۳۴۵ توصیه کرد: برای دستیابی به آرمان‌های مقدس که همانا ارتقای سطح فرهنگ و بالأخص دانش برنامه انقلاب اسلامی است، مطالعه گسترده اعضا مورد تأکید قرار گرفت و ۱۲۵ موضوع از کتاب‌های جمع‌آوری‌شده برای دریافت و مطالعه در انجمن ارائه شد (باقرزاده ۱۳۸۶ ج ۱: ۵۶) و در دومین نشست اتحادیه در ۱۳۴۵ نیز مصوب شد که فهرستی از کتاب‌های مفید تهیه و برای خواندن آن‌ها به اعضا معرفی شود و بحث‌های فکری - اجتماعی متنوع و علمی میان اعضا انجام شود و اعضا برای این کار باید با برنامه قبلی با طرح مسائل اسلامی و مطالعه کتب، ساعتی در هفته جمع شوند و اولویت کتاب‌های خود را از شرکت انتشار و نشریات مرکز اسلامی هامبورگ انتخاب نمایند (باقرزاده ۱۳۸۶ ج ۱: ۶۷) و در رابطه شیوه‌های خوانش به اعضا توصیه شد: «خوب توجه کنید هر کتاب یا نشریه‌ای روی خواننده اثر به‌خصوص می‌گذارد. کتابی را به دوستانتان توصیه کنید که او بیشتر احتیاج دارد و در او اثر مثبت می‌گذارد. پس از خواندن کتاب با او درباره آن صحبت کنید و نتیجه را بررسی نمایید. این نتایج را می‌توانید برای استفاده خودتان و سایر دوستانتان تدوین کنید و به مرکز اتحادیه بفرستید...» (باقرزاده ۱۳۸۶ ج ۱: ۶۸) و بر پخش جزوات ایدئولوژیکی میان اعضا تأکید داشتند و نتایج مباحث این دوره آموزشی فشرده، به هماهنگ‌سازی شیوه فکری اعضا و اتحادیه یاری رساند (باقرزاده ۱۳۸۶ ج ۱: ۱۵۴).

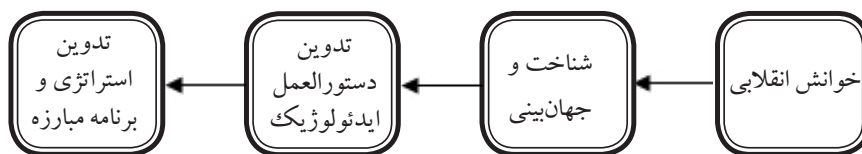
سازمان مجاهدین نیز به مرور سیر مطالعاتی خاصی ایجاد کرد و از بدو ورود به سازمان تا ارتقا در رده‌های بالاتر بسته به شاخص‌های فکری عضو، برنامه مطالعاتی برای او تنظیم و تعیین می‌شد و این روند کاملاً تحت نظر کادر مرکزی انجام می‌شد (کاظمی ۱۳۹۰: ۵۴۶؛ میثمی بی تا ج ۱: ۳۳۰-۳۲۹). کار مطالعاتی مدونی وجود داشت ابتدا کتاب‌های مبانی برای افراد خوانده می‌شد. قرآن و نهج البلاغه زیاد خوانده می‌شد و کتاب‌های درباره عمل، تضاد و سایر کتاب‌های انقلابی هم خوانده و نقد و بررسی می‌شد (میثمی بی تا ج ۱: ۳۳۳). این سیر مطالعاتی ضمن برنامه‌های آموزشی شان که به‌طور مرحله‌ای و پلکانی پیش می‌رفت و برنامه‌ها شامل آموزش‌های ایدئولوژیک، آموزش‌های سیاسی-اجتماعی، آموزش‌های اقتصادی آموزش‌های تشکیلاتی - امنیتی بود. آموزش‌های ایدئولوژیک دارای سه مرحله بود: آموزش قرآن و نهج البلاغه، آشنایی با تاریخ اسلام و دیدگاه‌های صاحب‌نظران مسلمان مبتنی بر کتاب *راه طی شده* بازرگان و آخرین مرحله آموزش روش شناسی بود که بعدها به‌صورت *کتاب شناخت* مدون شد (جمعی از پژوهشگران ۱۳۸۴ ج ۱: ۳۰۴-۲۹۶). میثمی تحت نظر علی میهن دوست این سیر مطالعات را انجام داد و پس از خواندن هر کتابی سؤالات مرتبط با آن پاسخ داده می‌شد. ابتدا خواننده درباره هر سؤال پاسخ‌های خود را مکتوب می‌کرد و بعد باراهنمایش مطرح می‌کرد (میثمی بی تا ج ۱: ۳۳۳). کتاب *راه طی شده* سه سری سؤال داشت؛ سؤال مقدماتی، سؤال متوسط و سؤال عالی. در بخش سؤالات عالی، پرسش‌ها خیلی ایدئولوژیک می‌شد (میثمی بی تا ج ۱: ۳۳۵). حنیف نژاد معتقد بود که باید برای یک عضو جدید دو سال کار آموزشی انجام داد تا تبدیل به یک کادری گردد و برای کار عملیاتی آماده شود. پس از واقعه سیاهکل مجاهدین خلق برای عقب نماندن از عرصه کارهای عملیاتی، این دوره مطالعاتی را کوتاه‌تر کردند (میثمی بی تا ج ۱: ۳۹۹). سعید محسن از سران سازمان مجاهدین، به رسیدن تدریجی به سیر مطالعاتی در سازمان مجاهدین اذعان داشت (میثمی بی تا ج ۱: ۳۳۰-۳۲۹).

رده‌بندی خوانش کتاب‌ها برای افراد هم مهم بود و بیشتر در میان سازمان‌های انقلابی دیده شده است. در سازمان مجاهدین کتاب‌هایی بود که برای افراد و اعضا غیر از کادر مرکزی ممنوع و بایکوت بود؛ مانند کتاب‌های شریعتی، استاد مطهری، علامه طباطبایی و سید قطب و غیره (کاظمی ۱۳۹۰: ۵۴۶، ۵۶۱). قاسم تبریزی نیز بیان می‌کند: «منافقین قبل از انقلاب شریعتی را تحریم کرده بودند. بچه‌ها در زندان جرأت نمی‌کردند کتاب شریعتی بخوانند و گرنه از طرف این‌ها بایکوت می‌شدند؛ اما بعد از انقلاب شریعتی را بهانه قرار دادند...» (تبریزی ۱۳۹۳: <https://www.mashreghnews.ir/news/430686>). افراد رده پایین

سازمان در زندان‌ها فقط کتاب‌های مارکسیستی ساده‌ای همچون *انسان چگونه غول شده و انسان از نسل میمون است* و کتاب *تکامل* دکتر یدالله سبحانی را می‌خواندند (کاظمی ۱۳۹۰: ۵۴۶). گروه امت واحده به دنبال کسب دیدگاه ایدئولوژیک مبتنی بر احکام اسلام بودند تا بر این اساس بتوانند یک برنامه مبارزه تدوین نمایند و به مطالعه پرداختند تا به شناخت از جهان (جهان‌بینی) مبتنی بر دیدگاه توحیدی نائل شوند (امجدی ۱۳۸۳: ۱۴۲).

دکتر شریعتی از ایدئولوگ‌های اصلی این دوران، در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود به شیوه و سیر مطالعاتی اشاره‌ها و تأکیدهای بسیار دارد و در جزوه «خودسازی انقلابی»، کار و کتاب را مکمل و سرچشمه آگاهی و دستیابی به حقیقت و تجربه معنوی دیگری لحاظ کرده است و کتاب را به تنهایی برای حرکت به سوی خودسازی انقلابی کافی نمی‌داند و معتقد است که آن موجب انحراف و بیماری یا مسمومیت روشنفکرانه می‌شود و خواندن ادبیات انقلابی، ادبیات پیشرو، هنر معترض و فرهنگ مقاومت و تهاجم، به‌ویژه برای ما، همچون آب، برای زندگی حیاتی است؛ زیرا روح را دو مایه می‌سازد: یکی فرهنگ و دیگری ایمان. ادبیات انقلابی عصر انقلاب کبیر فرانسه، ادبیات انقلابی عصر انقلاب اکتبر [روسیه] و امروز ادبیات انقلابی امریکای لاتین و به‌ویژه ادبیات انقلابی عرب که از آتش فلسطین سرزده است، مایه‌هایی است حیاتی برای تجدید تولد انسان‌هایی که باید بر اساس بینش اسلامی جانشین خدا و همانند خدا شوند... (شریعتی بی تا: ۴۱-۴۰، ۵۳، ۵۴). شریعتی برای شناخت تمدن و فرهنگ غرب باهدف ایستادن در برابر آن در ضمیمه جزوه خودسازی انقلابی برنامه مطالعاتی دو صفحه‌ای ارائه می‌دهد تا خوانندگان با تاریخ و تفکر غرب آشنایی دقیقی پیدا کنند و در پایان به شناخت فلسفه و ادیان شرقی؛ لائوتسه، کنفوسیوس، هندو، بودا و میترا و زرتشت و مزدک فرا می‌خواند (شریعتی بی تا: ۵۶-۵۵) و در کتاب *چه باید کرد؟* در بیان «از کجا آغاز نمود؟» طرح یک سیر مطالعاتی و تحقیقاتی را ارائه می‌دهد و معتقد است مساجد، تکایا، حسینیه‌ها، مجامع رسمی و خصوصی مذهبی را باید به‌صورت مراکز فعالی درراه احیای حقایق اسلام و رشد خودآگاهی مذهبی مردم درآورد و تا آنجا که ممکن است، به تشخیص خود، به اجرای یکی از برنامه‌های تحقیقی، آموزشی یا تبلیغی که در این طرح عنوان شده است، پرداخت و همه را به اجرای این طرح فراخواند و تمرکزش را بر حسینیه ارشاد می‌گذارد که باید در چهار بخش تحقیقات، آموزش، تبلیغ و سازمان‌ها فعالیت کند. گروه‌های تحقیقی در شاخه‌های مختلف مقرر شد با طرح و برنامه علمی تعیین شده پیش روند و نیز در شاخه‌های مهم اسلام‌شناسی دوره‌های آموزشی تعریف کرد (شریعتی ۱۳۵۲: ۵۷، ۶۰-۵۹، ۱۳۹-۸۰، ۱۴۴-۱۴۰).

مدل خوانش انقلابی؛ ارتباط خوانش انقلابی و برنامه مبارزه:



نتیجه‌گیری

امام خمینی به عنوان رهبر نهضت با عدم سازش و تلاش برای براندازی رژیم پهلوی، موجب ایجاد امواج مخالفت ایرانیان در مبارزه با رژیم شد و ضرورت تداوم مبارزه تا پیروزی نهایی به ایجاد و پردازش ایده‌ها و نظریات انقلابی با هدف نقد وضعیت موجود و بیان و تشریح وضعیت ایده‌آل آینده، منجر شد. در نتیجه، نوشتارها و سخنرانی‌های مخالفان و غیره تبدیل به قالب‌های چاپی همچون کتاب، جزوه، نشریه، اعلامیه و نوار شد که از امکانات جدید نشر و چاپ و حمل‌ونقل و دیگر تجهیزات رسانه‌ای در بسط و گسترش خود بهره بردند و از شبکه گسترده و سراسری روحانیون و پیروان آن‌ها در مساجد، حوزه‌ها و دیگر اماکن مذهبی در ایران برای توزیع آن استفاده نمودند. خوانش این نوشته‌ها، مسائل و دریچه‌های جدیدی را گشود و منجر به خوانش، پژوهش و نگارش متون جدیدتری شد و چرخه گسترده‌تر و عمیق‌تری از تولید فکر و کتاب ایجاد شد که مرتب و مستمر تکامل یافت و بر انواع طیف خوانندگان آن‌هم افزوده شد. این فرهنگ نوشتاری گفتمان اسلامی - شیعی در سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ تبدیل به رفتارهای عملی و دستورالعمل‌های انقلابی علیه رژیم پهلوی شد. در حقیقت کتاب‌های ممنوعه شکل‌دهنده ساختارهای ذهنی فردی و جمعی انقلابیون بود که بر محورهای اندیشه نظریه پردازان انقلابی، مخاطبان و خوانندگان فعال این محصول‌های فرهنگی - انقلابی و اقدام‌ها و عملیات انقلابیون علیه رژیم وقت در سال‌های ۱۳۴۲-۱۳۵۷ مبتنی بود و این محورهای به‌هم پیوسته و درهم تنیده، مستمر و رو به تزاید اهداف انقلابی را به سمت بازتولید و نتیجه بخشی عینی، پیش برد. امر تولید، توزیع و تبادل و خوانش کتاب‌ها و جزوات ممنوعه، شیوه‌های مبارزه مخفیانه را بیش از پیش پیچیده ساخت و شبکه مبارزه را در تمام کشور گسترده و فعال ساخت. وضعیت خاص فرهنگ سیاسی جامعه ایران و اقدامات مقابله‌جویانه حکومت در سرکوب عاملان تولید، توزیع و خوانش این محصولات فکری، به تشدید این روند زیرزمینی و به ایجاد و تقویت شرایط فکری و وضعیت و جایگاه مخالفان در جامعه هم یاری رساند.

با توجه به تعدد مخاطبان و میزان شمارگان چاپ و توزیع سراسری اشان در کشور در الگوبرداری از دیگر انقلاب‌های متعدد تاریخ معاصر، ایجاد روحیه و شخصیت انقلابی، تکثیر افراد و افکار انقلابی در جامعه، تربیت و پرورش نخبگان مخالف جدید، آموزش شیوه‌های مبارزه و مقاومت انقلابی، سست کردن پایه‌های مشروعیت و مقبولیت حکومت وقت، تغییر فرهنگ، نگرش‌ها و ذهنیت‌های سیاسی، معرفی ایدئولوژی‌های جایگزین و تعیین خط‌مشی برای اقدامات آینده و شناساندن رهبران انقلابی، ترغیب به دگرگون‌سازی شرایط عینی، جلب نظر رسانه‌های ارتباطی جهان غرب و شرق به خود، مؤثر و موفق بوده است.

بخش اصلی کتاب‌ها و جزوات ممنوعه گفتمان اسلامی - شیعی را رهبران انقلابی و نیروهای مذهبی به خصوص امام خمینی و شاگردان وی و گروه‌ها و نهادهای متمایل به این گفتمان رقم زدند و نیز ناشران چاپخانه‌ها و کتاب‌فروشان انقلابی اسلامی به طور مخفیانه و زیرزمینی، با وجود همه مشقت‌ها و تهاجم‌های حکومتی علیه آن‌ها، تلاش وافر کردند و تبادل پنهانی خطرناک و مجرمانه این کتاب‌ها از منظر حاکمان وقت، عمل انقلابی تلقی می‌شد.

خوانش و نگارش انقلابیون زندانی دوره پهلوی به فرصتی مطالعاتی برای افراد و گروه‌ها تبدیل گشت و فضای مطالعه، تبادل آرای انقلابی و نگارش متن‌های ایدئولوژیک انقلابی ماحصل دوران محکومیت بود و به جای تأدیب شدن، برای کارهای انقلابی و ضدیت بیشتر با رژیم، بیشتر آماده و پخته شدند و به تعمیق دانسته‌های انقلابی و حرفه‌ای‌تر شدن در حوزه مطالعات کتاب‌ها و جزوات انقلابی منجر شد.

شریعتی، امام خمینی، بازرگان و آل احمد مقام شامخی در میان خوانندگان انقلابی داشتند و در ایجاد، تداوم و گسترش شور و شعور انقلابی نقش و کارکرد محوری داشتند. بخش مهمی از این شبکه را جوانان به خصوص دانش آموزان و دانشجویان چه به صورت فردی چه به صورت جمعی و گروهی با یاری رهبران انقلابی داخل و خارج ایران پیش بردند.

انقلابیون این دوران برای آموختن و آموزش دادن دانش‌های انقلابی در حوزه‌های مختلف به تدوین و اجرای برنامه‌های مطالعاتی و خوانش هدفمند پرداختند و در غایت، نظرشان بر این بود تا انقلابیون با خود آگاهی به عمل و اقدام انقلابی بپردازند و شبکه انقلابیون را در سراسر کشور گسترش دهند و استمرار بخشند. با توجه به سیر مطالعات و خوانش هدفمند کتاب‌های غیر ممنوعه و حدود هشتصد کتاب ممنوعه با موضوعات و نظرگاه‌های مختلف و گاه متضاد، نمی‌توان حکم به تبعیت ایدئولوژیک کورکورانه و احساسی بودن این جریان داد و جنبه عقلانیت و معقول بودن این امور را نادیده گرفت و نمی‌توان آن‌ها را خوانندگان منفعل

و چشم‌پسته قلمداد کرد. در این سیر مستمر مطالعه و خوانش این کتاب‌ها و تعمیق آن، تشکیل گروه‌های مطالعاتی، بحث و تفسیر و نقدهای گروهی در داخل و خارج، ارائه مقاله و گزارش و درس گروهی برداشت‌شده از این کتاب‌ها و جزوات، دعوت از صاحب‌نظران و ایدئولوگ‌های انقلابی برای تشریح و تفسیر این کتاب‌ها پختگی لازم اتفاق افتاد و در مطالعات به ارتقای میزان، نوع و کیفیت خوانش پرداختند. آن‌ها با تعمیق این مطالعات به جذب نیروهای جدید، کمک به بسیج هر چه بیشتر نیروهای انقلابی و مردمی، آموزش اعمال انقلابی، تلاش برای ارتقای فکری و ایدئولوژیک توأم با تعدد نگارش‌ها و تکثیر آن‌ها و گسترش سطح کمی و کیفی از شعور و آگاهی انقلابیون، پرداختند. در روند ارائه‌شده مبتنی بر تولید و توزیع کتاب‌ها و جزوات ممنوعه گفتمان اسلامی - شیعی، مطالعه روشمند و هدف‌دار نقش مهمی را ایفا کرد که این کنش فرهنگی در کنار دیگر علت‌ها و عوامل در استمرار و توسعهٔ نگرش‌ها و رفتارهای انقلابی تا نیل به پیروزی در اهداف انقلابی، تأثیر مستقیم و مشهودی داشت.

منابع

- آذرنگ، عبدالحسین و علی دهباشی. (۱۳۹۳) *تاریخ شفاهی نشر ایران* (ویرایش دوم)، تهران: ققنوس، چاپ دوم.
- امجدی، جلیل. (۱۳۸۳) *تاریخ شفاهی گروه‌های مبارز هفت‌گانه مسلمان*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- انتشارات به زبان خارجی هانوی. (۱۹۷۳) *در ویتنام*، بی‌جا: انتشارات به زبان خارجی هانوی.
- باقر زاده، مجتبی. (۱۳۸۶) *تاریخچه مبارزات اسلامی دانشجویان ایرانی در خارج از کشور «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا» (۱۳۶۰-۱۳۴۴)*، تهران: اطلاعات.
- برک، پتر. (۱۳۸۹) *تاریخ فرهنگی چیست؟*، مترجمان نعمت اله فاضلی و مرتضی قلیچ، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، چاپ اول.
- پوینده، محمدجعفر (گزیده و ترجمه). (۱۳۹۰) *درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات (مجموعه مقالات از لوسین گلدمن و دیگران)*، تهران: نقش جهان مهر، چاپ اول.
- تبریزی، قاسم. (۹۴/۳/۲۹) «قاسم تبریزی در گفتگو با مشرق؛ چه کسی بین شهید مطهری و شریعتی اختلاف انداخت/ مخالفان شریعتی چه کسانی بودند؟/ نظر آیت‌الله خامنه‌ای درباره کتب شریعتی»:
<https://www.mashregnews.ir/news/430686/>
- جمعی از پژوهشگران. (۱۳۸۴) *سازمان مجاهدین پیدایی تا فرجام (۱۳۸۴-۱۳۴۴)*، تهران: مؤسسه

- مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، جلد اول، چاپ اول.
- حاجبی تبریزی، ویدا. (۱۳۸۳) *۵۵ بی ۵۵ نخستین زندان زنان سیاسی ۱۳۵۷-۱۳۵۰*، تهران: بازتاب نگار، جلد اول، چاپ دوم.
- دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری. (۱۳۷۶) *خاطرات جواد منصوری*، تهران: سوره، چاپ اول.
- *روزنامه اعتماد*. (۱۴ بهمن ۱۳۹۳) «کتاب‌ها پشتوانه هر کنش انقلابی بودند؛ کتاب‌های مؤثر در جریان انقلاب ۵۷ در گفت‌وگو با هادی خانیکی»: <http://www.zamannews.ir/>.
- *روزنامه اعتماد*. (۱۹ بهمن ۱۳۹۳) «گزارشی از کتاب‌هایی که در دوران انقلاب بیشتر مطالعه می‌شدند؛ انقلابی‌ها چه می‌خواندند؟»: <http://puyesh.net/fa/news/>.
- سازمان مجاهدین خلق ایران. (۱۳۵۲) *اصول مخفی کاری فن مبارزه با پلیس*، اسپرینگفیلد آمریکا: پیام مجاهد.
- ساسان پور، شهرزاد. (۱۳۸۶) *عبور از سازمان مجید شریف واقفی به روایت اسناد*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- شریعتی، علی. (بی تا) *خودسازی انقلابی*، بی‌جا: بی‌نا.
- _____ . (۱۳۵۲) *چه باید کرد؟*، بی‌جا: بی‌نا.
- عبدی، عباس. (۱۳۹۳) *جنبش دانشجویی پلی تکنیک تهران ۱۳۵۷-۱۳۳۸ (دانشگاه امیرکبیر)*، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- علی محمدی، حجت‌الله. (۱۳۹۲) *در کشاکش سیاست و فرهنگ*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- غیاثیان، سیدسعید. (۱۳۸۸) *خاطرات زندان: گزیده‌ای از ناگفته‌های زندانیان سیاسی رژیم پهلوی*، تهران: سوره مهر، چاپ اول.
- فاضلی، فیروز و نسرین کریم پور. (دی ۱۳۸۹) «جامعه‌شناسی ادبیات»، *کتاب ماه ادبیات*، شماره ۴۵ (پیاپی ۱۵۹).
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۷۴) «درآمدی بر جامعه‌شناسی هنر و ادبیات»، *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه*، شماره ۷ و ۸ (پاییز و زمستان).
- *فردای ایران*. (۱۳۶۰) «فهرست اسامی کتب مضره‌ای که منتشر شده‌اند»، سال اول، شماره‌های ۵ و ۶.
- فوران، جان. (۱۳۸۸) *نظریه پردازی انقلاب‌ها*، مترجم فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.
- کاظمی، محسن. (۱۳۹۰) *خاطرات عزت شاهی*، تهران: سوره مهر، چاپ هجدهم.
- گریس ولد، وندی. (۱۳۸۳) «حرکت‌های اخیر در جامعه‌شناسی ادبیات»، ترجمه نازنین میرزا بیگی، پیک نور، شماره ۷ پاییز.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی. (۱۳۷۸) *شریعتی به روایت اسناد ساواک*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی،

جلد دوم و سوم، چاپ اول.

- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات. (۱۳۷۷) *یاران امام به روایت اسناد ساواک کتاب هشتم سردار سرافراز» شهید حجت الاسلام والمسلمین سید علی اندرزگو*، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول.

- معاونت ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور مرکز پژوهش و اسناد. (۱۳۹۱) *اسنادی از سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی در دوره پهلوی دوم صورت‌جلسات «کمیسیون بررسی مسائل روز»*، به کوشش بهنام صدیقی و علیرضا اسماعیلی، تهران: خانه کتاب، چاپ اول.

- موزه عبرت ایران. (۱۳۸۴) *از دانشگاه تا شکنجه‌گاه ساواک روایت مبارزات دانشجویی و حکایت مشترک ضدخرابکاری گفتگو با جلال رفیع*، تهران: موزه عبرت ایران، چاپ اول.

- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) - گروه تاریخ. (۱۳۸۷) *خاطرات مبارزه و زندان (یادها-۲۲)*، تهران: عروج، چاپ اول.

- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) - گروه تاریخ. (۱۳۸۹) *خاطرات سال‌های نجف (یادها-۲۸)*، تهران: عروج، جلد اول، چاپ اول.

- میثمی، لطف‌الله. (بی‌تا) *از نهضت آزادی تا مجاهدین خاطرات لطف‌الله میثمی*، تهران: نشر صمدیه.

- نجات حسینی، محسن. (۱۳۷۹) *بر فراز خلیج: خاطرات محسن نجات حسینی عضو سابق سازمان مجاهدین خلق ایران (۱۳۴۶-۱۳۵۴ ش.۵)*، تهران: نشر نی، چاپ اول.

- نیک‌بخت، رحیم. (۱۳۸۱) *جنبش دانشجویی تبریز (به روایت اسناد و خاطرات)*، تهران: سوره مهر، چاپ اول.